

بررسی دگرگونی در ساختار کالبدی و معماری روستاها و تشکیل روستا - شهر مورد: آلود و پرندک

مهدی قرخلو - دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

حسین کلاتری خلیل آباد - دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران

محمد اسکندری نوده* - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۱۳۸۵/۸/۱۷ تایید نهایی: ۱۳۸۷/۸/۳۰

چکیده

مهاجرت های روستا شهری به عنوان یکی از پدیده های رایج در اکثر کشورهای جهان شناخته شده است. این شکل از مهاجرت در ایران علت تبدیل بسیاری از روستاها به شهر بوده است. شهر آلود و پرندک نیز از جمله شهرهایی است که سابقه ای روستایی دارد و با توجه به گذشته نه چندان دور روستایی خود از ویژگی های کالبدی خاصی برخوردار می باشد. داده های به کار رفته در تحقیق عبارت است از کاربری های موجود، کیفیت ابنیه، ویژگی های معماری و مراحل توسعه ناحیه. در این تحقیق از روش های میدانی برای جمع آوری اطلاعات، از روش تبیینی و توصیفی برای تحلیل نتایج و از روش سیستمی برای تلفیق و ارائه نتایج استفاده شده است. هدف این تحقیق توجه به سازوکارهای اقتصادی، شرایط جغرافیایی، تپ مسکن و ویژگی های کالبدی انعکاس یافته از چنین رشدی است. از این رو به ترتیب به مطالعه مراحل توسعه، وضع کاربری های موجود، کیفیت ابنیه و مسکن و سایر خصوصیات معماری بافت شهری می پردازد. نتایج بررسی بیانگر آن است که بیشترین پراکندگی ساختمان های یک طبقه با مصالح کم دوام در نواحی مشاهده می شوند که جزو هسته های اولیه و روستایی بوده اند و به عبارتی بنیان های فیزیکی و کالبدی دو روستای آلود و پرندک را شکل می دهند.

واژه های کلیدی: استان تهران، آلود و پرندک، مهاجرت روستایی - شهری، ویژگی های کالبدی،

خصوصیات معماری و مسکن

مقدمه

اگرچه پدیده مهاجرت در طول تاریخ اجتماعی بشر همواره وجود داشته لیکن مهاجرت انبوه و مداوم روستا به شهر پدیده ای است که تنها در فرآیند صنعتی شدن کشورها ظاهر شد. در کشور ما نیز از اوایل دهه ۱۳۵۰ و به ویژه از اوایل دهه ۱۳۶۰، مهاجرت روستا به شهر اوج بیشتری گرفت. تجربه تمام کشورهای که به عرصه تمدن صنعتی گام گذاشته اند، از جمله ایران - بیان می دارد که روستا دیگر برای زندگی و فعالیت اقتصادی انسان جاذبه ندارد. در مقابل شهرها به کانون های جذب جمعیت و فعالیت انسان تبدیل شده اند (عظیمی، ۱۳۸۴، ۱۰۳-۹۹).

* Email: mehdegh@yahoo.com

در واقع نه تنها سرمایه‌داری که تمدن نوین از ظهور آن شکل گرفته و برای دستیابی به حداکثر سود، سازمان‌یابی فضا را در تمرکز جمعیت و فعالیت دیده است بلکه تمام تمدن‌های صنعتی و از جمله تجربه تمدن صنعتی - سوسیالیستی نیز در بخش عمده‌ای از قرن بیستم و نیمی از جهان تجربه شده، تأیید می‌کند که اساساً تمدن نوین صرف نظر از شیوه تولید، پراکندگی جمعیت را تحمل نمی‌کند و مدام به تمرکز جمعیت و فعالیت روی می‌آورد (UPDP, 2000: 31). به عنوان مثال طبق مطالعات انجام شده، دو کشور آلمان و انگلستان به ترتیب با رشد ۱/۴- و ۰/۷- درصد جمعیت روستایی، بیشترین جریان مهاجرت روستا به شهر را در دوره ۱۹۶۵-۱۹۹۸ تجربه کرده‌اند. کشور ایران نیز از اوایل قرن حاضر تقریباً تجربه مشابهی را داشته است. طی دوره چهار ساله ۱۳۳۵-۱۳۷۵ کل جمعیت ایران با نرخ رشد متوسط ۲/۹ درصد رشد کرده است، در حالی که در همین دوره نرخ متوسط رشد جمعیت روستایی ۱/۴ درصد و شهری ۴/۷ درصد بوده است. بنابراین به‌رغم الگوی کندتر رشد طبیعی جمعیت در شهرها، رشد جمعیت شهری طی دوره مذکور بیش از ۱/۶ برابر رشد جمعیت کشور و بیش از سه برابر رشد جمعیت روستایی بوده است (مرکز آمار ایران، دوره‌های مختلف سرشماری). رایج‌ترین الگوی مهاجرتی نیز در ایران به شکل، مهاجرت‌های پله‌ای اتفاق افتاده است، چنانکه جمعیت مهاجر به دلیل شرایط خاص اقتصادی و ضعف بنیه مالی، قادر به تأمین مسکن و اشتغال مناسب در شهرهای بزرگ نبوده و به اجبار در مناطق و نقاط شهری کوچک و روستایی بزرگ منطقه شهری، تحت نفوذ مادر شهر برتر ساکن می‌شوند. با افزایش مهاجرت و تکرار رویه مذکور، شهرهای کوچک منطقه شهری، به شهرهای میانی و نسبتاً بزرگ تغییر هویت داده و روستاهای کوچک منطقه با جذب جمعیت به آستانه تعریف شهر نزدیک می‌شوند و در مدت زمانی کوتاه، شهرهای نوظهور با گذشته و سابقه روستایی سربرمی‌آورند (عظیمی، ۱۳۸۱، ۵۷).

امروزه شهرنشینی غالب اوقات بر سازماندهی روستاهای روزی بخش پیشی گرفته است. شهرها و روستاهای بزرگ با جذب انبوه مهاجران روستایی، دستخوش دگرگونی و تغییر فراوان شده‌اند. یکی از اشکال این تغییر که در کالبد روستاها صورت گرفته، نحوه رشد و توسعه و تبدیل شدن آن‌ها به روستا-شهرهایی است که از یک طرف بر سنن روستایی خود وفادار مانده‌اند و از سوی دیگر بسیاری از شئون زندگی شهری را در خود پذیرا گشته‌اند.

به‌طور کلی روستا- شهر عبارت است از «مکانی که دگرگونی در کیفیت و کمیت شیوه زندگی از روستانشینی به سوی شهرنشینی را مد نظر دارد و در عین حال به برخی از سنن روستایی نیز وفادار است» (Stohr & Taylor, 1981: 543). این فضای جدید تصمیم‌گیری در حوزه‌های روستایی را کاهش داده و سبب توسعه شهرمحوری بر پایه حفظ برخی از سنن گذشته می‌شود.

از میان ویژگی‌های گوناگونی که مبین ماهیت شهر هستند و چه بسا علت اولیه برپایی آن به‌شمار می‌آیند، وجود حوزه زراعی پیرامونی است که از طریق اضافه تولید خود اساس تغذیه شهری را فراهم می‌سازد. روستا-شهرها به لحاظ برخورداری از حوزه زراعی در رسته چنین شهرهایی قرار می‌گیرند. امروزه، قسمت‌های وسیعی از ایران و نیز بخش‌هایی از سکونتگاه‌های شهری آن دارای فضای اجتماعی- اقتصادی متعلق به دوران ماقبل صنعتی هستند. یعنی سکونتگاه‌های شهری در ایران، علت وجودی و نیز پایداری خود را نه تنها به کارکردهای

خود به عنوان محل اقامت مالک اراضی روستایی بلکه به خصوصیات صنعتی - تجاری متکی بر نواحی روستا - شهری مدیون هستند (سعیدی، ۱۳۸۰، ۲۲۵).

از میان تمام ویژگی های مختلف روستا-شهرها، آنچه بیش از همه مشخص و بارز است، وضعیت کالبدی و معماری این تیپ شهرها است که به نظر بسیار مختلط می آید. با توجه به اینکه هسته اولیه روستا-شهرها را نقاط روستایی تشکیل داده اند، احتمال می رود که محلات قدیمی تر که منطبق بر هسته های اولیه هستند، از بافت کهن و سنتی و در عین حال روستایی با عمارت های تک طبقه ای برخوردار باشند و محلات جدید که به نوعی در اثر توسعه روستاها و تبدیل به روستا-شهر شکل گرفته اند، از ساختمان های جدید و در عین حال مرتفع برخوردارند. به نظر می رسد مشکلات کالبدی ناشی از اختلاط مهاجرین (چه شهری و چه روستایی) با ساکنین اولیه روستاهای دوگانه (آلود و پرندهک) که در نمای ظاهری روستا-شهر یاد شده انعکاس می یابد، قابل تمرکز و توجه است و این تحقیق به شناسایی تیپولوژی مسکن ناشی از این شکل اختلاط در این روستا-شهر خواهد پرداخت.

بنابراین سؤال تحقیق این است که علت اصلی شکل گیری چنین کالبدی چیست؟ معماری دوگانه و بافت های مختلف شهری و روستایی چگونه در کنار هم قرار می گیرند؟ آیا مهاجرت های روستا-شهری و شهر به شهر در حاشیه مادرشهرهایی چون تهران که زمین در داخل محدوده آن از ارزش بالایی برخوردار است سبب شکل گیری اسکان در اقمارشهرهایی می شود که اکثریت آن ها به لحاظ ظاهری شبیه ترین مکان به اماکنی است که با تعاریف گذشته، روستا-شهر نامیده می شود؟

از طرف دیگر باید به مسئله دیگری که با این شکل از اسکان گریبان گیر شهرها شده نیز برخوردی مناسب داشت. فرهنگ روستایی آمیخته با ظواهر شهری امروزه در روستا-شهرها فراوان یافت می شود. علت این شکل از فرهنگ شبه شهری چیست؟ علاوه بر این، در روستاهای متحول شده و تبدیلی به نقاط شهری، کالبد روستا گونه شهر، بر مسائل موجود (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) افزوده می شود (گیدنز، ۱۳۸۲، ۱۶).

در ایران به ویژه پس از سه دهه مهاجرت شتابان روستایی که تاکنون به آن توجهی اندک شده و یا اصلاً نشده است، روستایی شدن شهرها به عنوان فرایندی که جغرافیای جمعیتی نوینی در فضای شهر و پیرامون آن خلق می کند، محسوب می شود. در بحث موجود، تأکید بر فضاهای نوین پیرامون شهر، یعنی منطقه حوزه نفوذ و ویژگی های آن است. لذا توجه اساسی بر روستاهایی است که در حال تحوّل و تبدیل شدن به شهر هستند. البته قبل از پرداختن به چگونگی تبدیل روستاها به شهر لازم است که شرایط ساختاری و اجتماعی اقتصاد ناموزون و رشد ناموزون اقتصادی که علت اصلی این فرم توسعه شهری است، مورد بررسی قرار گیرد. در این زمینه ابتدا فرایندهای ساختاری و اقتصادی - اجتماعی مؤثر در این رشد معرفی می شوند.

انباشت شدید سرمایه، شهرنشینی شدیدتری را پدید آورده است. گونه و چگونگی انباشت بر شکل و چگونگی شهرنشینی تأثیر ساختاری گذارده است. واقعیت این است که پیوند دادن شهرنشینی معاصر با اصل و کلیت نظام سرمایه داری پاسخ های منطقی تری را برای قانونمندی روند شهرنشینی می یابد تا پیوند دادن آن با فرایندهای صنعتی. اما فرایند تقسیم کار سرمایه دارانه، به شهرها و تمرکز شهری نیاز دارد. واضح است که آن بخش از سرمایه داری که تقسیم کار ویژه خدماتی و سوداگرانه یا مثلاً مبتنی بر «مازاد نفتی» را در ماهیت و

سرشت خود دارد، تمرکز و تقسیم کار ویژه‌ای را نیز برای شهرها و نقاط شهری و روستایی تحمیل می‌کند. تهران نمونه بارزی از این وضعیت را به نمایش می‌گذارد و این در حالی است که طبقه کارگر صنعتی نیز در این شهر حضور جدی دارد، زیرا فرایند نیمه صنعتی یا شبه صنعتی شدن کشور به گونه‌ای ناموزون در منطقه شهری تهران تمرکز یافته است. به نوعی می‌توان حکم کرد که ناموزونی شهر تهران از ناکامل بودن رشد سرمایه‌داری، از انفعالی بودن و از وابسته بودن آن شکل گرفته است (رئیس دانا، ۱۳۸۱، ۲۳۱-۲۳۰). از سوی دیگر می‌توان گفت شرایط جغرافیایی و سیاسی تهران و تأثیر آن بر حوزه نفوذ خود و همچنین شرایط جغرافیایی-ارتباطی آن، زمینه را برای رشد ناموزون فراهم آورده است (همان، ۲۳۱).

همین‌طور می‌توان گفت که توسعه ناموزون در کل نظام اجتماعی-اقتصادی که بیشتر تحت تأثیر سرمایه جهانی است، رشد ناموزون شهری در کشور و منطقه شهری تهران را سبب گشته است. اقدامات پایه‌ای و غیرپایه‌ای نیز در جهت تعدیل رشد ناموزون به عمل آمده است اما از آنجا که مجموعه اقدام‌ها در یک چارچوب نظام‌مند و یکپارچه صورت نمی‌گیرد، ثمری نیز به بار نمی‌آورد. از آنجا که تمرکز خدمات تجاری و خدمات بین‌المللی و سوداگری کلان مقیاس و خرد مقیاس در منطقه شهری تهران دائماً قوی‌تر می‌شود، لذا می‌توان به طور کلی و صرف‌نظر از گستگی‌های مقطعی، ارتباط رشد ناموزون تهران را با عملکرد اقتصاد جهانی کماکان قدرتمند و اصلی تلقی کرد (همان، ۲۳۲).

علاوه بر مسائل نظری مطرح شده، در عمل نیز شاهد تغییرات ساختاری و عملکردی وسیعی در منطقه شهری تهران هستیم؛ چنانچه از مطالعات موجود مشخص می‌شود امروز عملکردهای اساسی اقتصادی-صنعتی در منطقه شهری تهران، اکثراً حول محور صنعتی تهران-کرج-هشتگرد-قزوین در حال شکل‌گیری است. به تبع چنین رشدی، منظومه‌های روستایی و شهری کوچک و بزرگ اطراف این دالان صنعتی نیز تحت تأثیر قرار گرفته و با جمعیت‌پذیری شگفتی، رو به شهری شدن مدرن دارد؛ چنان رشدی که بسیاری از صاحب‌نظران پیوستگی شهرها در این محور صنعتی را به مگالاپلیس آینده ایران تشبیه نموده‌اند (قرخلو و اسکندری، ۱۳۸۴، ۱۱۰-۹۰).

در قالب چنین رشدی، مهاجرت‌های ملی به صورت پله‌ای به شهرهای اطراف تهران صورت می‌گیرد و با رشد بیشتر در یک چرخش ساختاری و عملکردی به شهرهای جدید با هسته روستایی تبدیل می‌شوند. این شهرهای جدید به لحاظ کالبدی به هسته اولیه خویش یعنی هسته روستایی وفادار مانده و در توسعه خود نیز از این مسئله جدا نیستند. در نتیجه شهرهایی ایجاد می‌شوند که کالبدی روستایی دارند و به لحاظ اجتماعی-فرهنگی نیز در این قلمرو با مسائل و مشکلاتی مواجه خواهند بود.

به لحاظ پیشینه، روستا-شهرها در کشورهای توسعه یافته غربی و پیش از همه در کشورهای آنگلو ساکسون به دلایل مختلف پدید آمده‌اند. از جمله دلایل ظهور روستا-شهرها در این کشورها عبارتند از توسعه زود هنگام حمل و نقل، دلبستگی مفرط به دارا بودن سکونتگاه شخصی، ارتقای سطح زندگی افراد، ایجاد تجهیزات و عناصر ویژه رفاه در محیط روستایی، کاهش ساعات کار روزانه و مانند آن (که البته با شرایط ایران کاملاً متفاوت است). اما بیشترین توسعه روستا-شهرها وابسته به میزان استفاده از اتومبیل بوده چراکه ساکنین این تیپ شهرها اغلب در شهرهای بزرگ و مادرشهرهایی که حول آن سازمان یافته‌اند مشغول به کار و فعالیت هستند. با این حال اتومبیل

تنها عامل توسعه روستا- شهرها نیست. در کشورهای فقیر، مهاجرت های روزانه در شعاعی کوتاه تر و با استفاده از وسایل حمل و نقل صورت می گیرد. در جاهای دیگر، حتی اگر ماشین موفق به ایجاد ارتباط میان تمامی سکونتگاهها نشود، باز تا سال ۱۹۶۰ در توسعه حریم نقاط شهری اطراف لندن نقشی عمده داشته و چنین نقشی را در نواحی پیرامونی کشورهای توسعه یافته و کم رشد هنوز دارا است (Warrier & Mc Alpine, 1992:59).

با ره گیری تاریخی جریان رشد روستا- شهرها می توان گفت که کشورهای انگلوساکسون پیش از آغاز جنگ جهانی دوم، به نحوی پیش رس به نخستین ثمرات روستا- شهری دست یافتند، در مقابل جریان روستا- شهری در فرانسه با اندکی تاخیر، آثار خود را از سالهای ابتدایی دهه ۱۹۶۰ آشکار می سازد. در فاصله سالهای ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۸ (فرانسه) نه تنها غالب کانون های شهری با رشدی فوق العاده مواجه اند، بلکه جمعیت کمون های روستایی، مناطق جمعیتی صنعتی و شهری نیز عموماً روبه افزایش داشته است (برنارشاریه، ۱۳۷۳، ۱۲۰).

در ممالک کم رشد نیز روستا- شهرها به اعتباری درخور توجه دست می یابند؛ از جمله این کشورها می توان به چین، کره جنوبی، مکزیک و برزیل اشاره نمود (Pannell, 1990:153). دیگر کشورهای اروپای غربی، اندک زمانی پس از فرانسه، تحولی تقریباً مشابه را پشت سر نهاده اند که فشار آن در کشورهای بنلوکس، در آلمان و به ویژه در حوالی راین، سوئیس، ایتالیا، ناحیه هایی با جمعیت بسیار متراکم که در آن شهرها به هم نزدیک اند و سنت صنعتی شدن روستاها و حومه ها به طور کامل ریشه دوانده و خلاءهای جمعیتی وجود ندارد، بیشتر بوده است (برنار شاریه، ۱۳۷۳، ۱۲۴).

به لحاظ نظری نیز نظریه پردازان به اهمیت شهرهای کوچک و میانی از قبیل روستا- شهرها تاکید داشته اند که جنبه های کاربردی آن سبب تشویق برخی از دولت ها برای اعمال سیاست های حمایتی از روستا- شهرها شده است. به عنوان مثال راندینلی عنوان می کند که هدف توسعه روستایی جدا از شهرها، عملی نیست زیرا بازارهای اصلی برای دریافت مازاد تولیدات کشاورزی در مراکز شهری قرار گرفته اند و توسعه روستا- شهرها نیز به منزله یک حلقه واسط نقش تسهیل کنندگی دارد (Rondinelli, 1983:28). از طرفی بیشتر عوامل تولید از امکانات سازمان های شهری بهره مند می شوند و خدمات مورد نیاز جامعه روستایی، مانند بهداشت و درمان و آموزش و مانند آن که در حوزه های روستایی توزیع می شود، از مراکز شهری به دست می آید.

بدین سان ملاحظه می شود که راندینلی در امر توسعه، اساس نظریه خود را بر عدم تمرکز سرمایه گذاری ها در سکونتگاه های انسانی با تأکید بر «استراتژی توسعه بر محور شهری» در تامین حداقل شرایط برای مردم روستایی قرار می دهد به گونه ای که آن ها را قادر می سازد تا جوامع روستایی به توسعه اقتصادی و اجتماعی دست یابند. راندینلی در نظریه خود به مفهوم برخورد وابستگی ها نیز اهمیت می دهد و این وابستگی ها را بین حوزه های روستایی با شهرهای کوچک و بین شهرهای کوچک با شهرهای بزرگ لازم می داند و این تعامل فضایی، اقتصادی- اجتماعی را پایگاه اصلی در امر توسعه می شناسد. در این میان نقش روستا- شهرها به عنوان حلقه بینابین در وابستگی و تعامل فضایی غیر قابل انکار می باشد (شکویی، ۱۳۷۹، ۳۱۴).

تاکید بر روستا- شهرها به این دلیل است که اولاً روستا- شهرها از مشکلاتی که امر مسکن، حمل و نقل، آلودگی و تامین خدمات شهری در بزرگترین شهرها ایجاد می کنند، می کاهد. امروزه این مسائل در شهرهای

بزرگ آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین به روشنی مشاهده می‌شود؛ ثانیاً روستا- شهرها نابرابری‌های ناحیه‌ای را کاهش می‌دهد زیرا امکانات و خدمات عرضه شده در حوزه‌های مادرشهری، از شهرهای میانی بیشتر است و گسترش خدمات و امکانات در شهرهای میانی، نابرابری‌های موجود را تعدیل و جمعیت بیشتری را در ناحیه از این قبیل خدمات بهره‌مند می‌کند. ثالثاً روستا- شهرها از تمرکز اداری در شهرهای بزرگ می‌کاهند و سرمایه‌گذاری در آن‌ها فقر را کاهش می‌دهد (همان، ۳۱۶).

به لحاظ تحقیقی، کتاب، مقاله یا طرحی که مستقیماً از منظر مطالعات جغرافیایی، به بررسی ویژگی‌های کالبدی و معماری روستا- شهرها پردازد، در دسترس نیست لیکن در حیطه شهرسازی و معماری افراد مختلفی به بررسی این ویژگی‌ها پرداخته‌اند. از جمله افرادی که به بیان ویژگی‌های کالبدی روستا- شهرها پرداخته‌اند می‌توان به حسین کلانتری خلیل‌آباد اشاره کرد که در تحقیق تحت عنوان «طرح ساماندهی مجموعه آلارد و پرندک» به بررسی جامع کالبدی این مجموعه پرداخته است^۱. معاونت پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تهران نیز طی مطالعه‌ای از روستاهای بزرگ استان سمنان به بررسی شرایط معماری و کالبدی این روستاها پرداخته که در حال حاضر تعدادی از آن‌ها تبدیل به شهر شده‌اند (جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۴).

در این مقاله سعی می‌شود با در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی شکل‌گیری روستا- شهرها، از جمله مهاجرت‌های پلکانی و ظرفیت‌های محیطی و بحث در رابطه با تعادل و یا عدم تعادل‌های متصور در شکل‌گیری روستا- شهرها از بحث کالبدی و معماری این تیپ شهرها تحلیل جغرافیایی ارایه شود.

مواد و روش‌ها

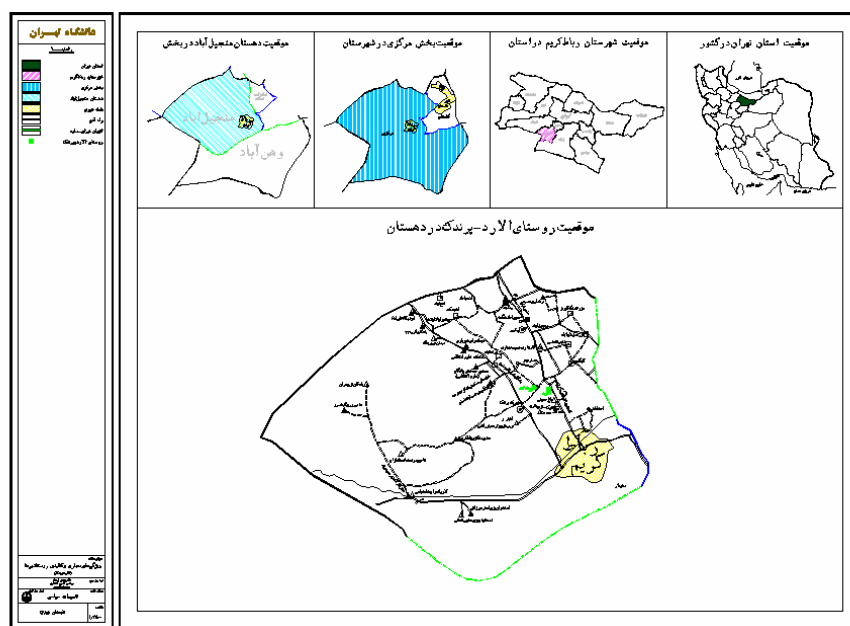
در این تحقیق از روش‌های توصیفی و کتابخانه‌ای، روش‌های فعال میدانی و روش تحلیلی-تبیینی برای استنتاج بهره‌گرفته شده‌است. داده‌های تحقیق را اطلاعات جمعیتی آلارد و پرندک، اطلاعات کاربری شهری، داده‌های برداشت شده در عملیات میدانی از قبیل تعداد طبقات، کیفیت ابنیه و نوع مصالح ساختمانی به کار رفته در ساخت‌وساز تشکیل می‌دهد که به تفصیل به تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود.

لازم به ذکر است که مراد از روش‌های فعال میدانی، برداشت‌های بلوک به بلوک و در مقیاس واحد مسکونی است که با بهره‌گیری از روش‌های مشاهده‌ای و جمع‌آوری پرسشنامه به انجام رسیده است. البته در مواردی که از انباشت اطلاعات برخوردار بوده و امکان احصاء ویژگی‌های یک به یک موارد مورد مطالعه میسر نبود، (همچون قدمت ابنیه، نوع مصالح) از نمونه‌گیری تصادفی با بهره‌گیری از روش کوکران سود جسته شد. همچنین نقشه‌های پایه با مقیاس ۱:۴۰۰۰ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و سازمان نقشه‌برداری کشور برای ترسیم نقشه‌ها و تولید نقشه استفاده شده است.

۱- کلانتری خلیل‌آباد، حسین. ۱۳۸۲. «طرح ساماندهی مجموعه آلارد و پرندک»، استان تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

مشخصات محدوده مورد مطالعه

بر اساس آخرین تقسیمات اداری- سیاسی کشور، منطقه آلارد- پرندک از توابع بخش مرکزی شهرستان رباط کریم محسوب می‌شود. این منطقه در طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۹ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۲۷ دقیقه در ارتفاع ۱۰۳۴ متر از سطح دریا قرار گرفته است. این منطقه به علت نزدیکی به شهرستان رباط کریم، در حریم شهرداری رباط کریم واقع شده است. مجموعه آلارد- پرندک در یک کیلومتری شمال غربی شهرستان رباط کریم قرار دارد که از شمال به حصار مهتر پادگان امیرالمؤمنین، از جنوب به شهر رباط کریم، از شرق به روستاهای استرآباد، اتوبان تهران- ساوه و از غرب هم به شهرک پرندک محدود می‌شود. فاصله منطقه تا شهر رباط کریم ۱ کیلومتر و تا شهر تهران ۱۳ کیلومتر است. این منطقه از سال‌های اولیه شکل‌گیری تا مراحل بعدی یعنی سال‌های ۱۳۰۰، تا ۱۳۸۲ دارای رشد قابل توجهی بوده است. علت عمده این رشد را می‌توان در تمرکز شهرنشینی توسط دولت به عنوان روستا و سازوکارهای ناموزون اقتصادی به لحاظ زیربنا دانست. شکل ۱ موقعیت سیاسی آلارد و پرندک را به نمایش می‌گذارد.



شکل ۱ نقشه موقعیت سیاسی آلارد و پرندک

شهر آلارد و پرندک در سال‌های گذشته هر کدام یک روستای کوچک با جمعیت کم بودند و در اثر رشد فزاینده در سال‌های بعد در هم ادغام شدند. در سال ۱۳۴۵، جمعیت محدوده برابر ۱۰۱۷ نفر بوده است (آلارد ۷۳۶ نفر و پرندک ۲۸۱ نفر)، تعداد خانوار در این سال برابر ۲۰۶ و بعد خانوار هم ۴/۹ نفر و دارای نرخ رشد ۵/۶ درصد بوده است.

در سال ۱۳۵۵ جمعیت محدوده به ۱۴۶۲ نفر با تعداد ۲۹۱ خانوار با بعد خانوار ۵ رسید. در فاصله زمانی سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ تنها تعداد ۴۴۵ نفر به جمعیت محدوده افزوده شد. طبق آمار سال ۱۳۶۵ جمعیت محدوده ۲۱۰۷ نفر

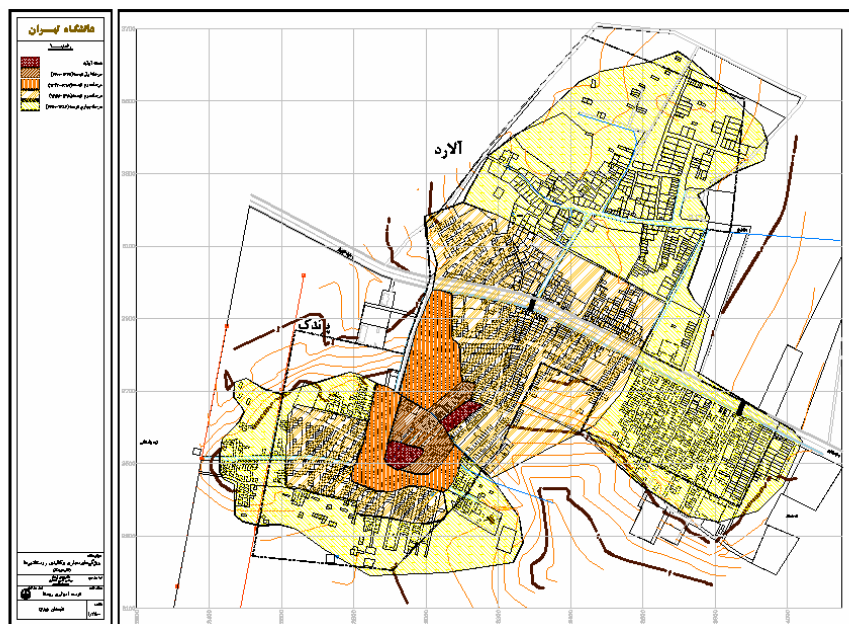
و تعداد خانوار آن نیز ۴۲۴ خانوار بود که بعد خانوار آن ۴/۹ نفر برای هر خانواده بوده‌است. از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، افزایش جمعیت بیش از دهه قبل به نظر می‌رسد، به طوری که ۶۴۵ نفر و ۱۳۳ خانوار به محدوده اضافه شده‌است. همچنین طبق آمار سال ۱۳۷۵ جمعیت محدوده آلود- پرندک ۷۳۱۹ نفر و تعداد خانوار نیز ۱۵۰۶ خانوار و بعد آن ۴/۸ نفر بوده است. در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ می‌توان گفت که جمعیت محدوده رشد چشمگیری داشته به طوری که تعداد ۵۲۱۲ نفر به جمعیت محدوده اضافه شده است. پس از سال ۱۳۷۵ و در حدود سال ۱۳۸۲، جمعیت این مجموعه به بیش از ۱۴۶۰۰ نفر رسید و این دو مجموعه روستایی متصل پس از جذب جمعیت در این دوره تبدیل به شهر آلود- پرندک در کنار شهر رباط کریم شدند (مرکز آمار ایران، سرشماری دوره‌های مختلف). مطالعه جمعیتی شهر آلود و پرندک گویای این مسئله است که در طی دوره‌های آماری، با توجه به نزدیکی مجموعه به شهر تهران و اسلامشهر و رباط کریم، شهر مهاجرپذیر بوده و این پدیده تا سال‌های اخیر نیز ادامه داشته است (جدول ۱).

جدول ۱ تغییر و تحولات جمعیتی آلود- پرندک طی دهه‌های ۸۲-۱۳۴۵

سال	عنوان	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۲
جمعیت	۱۰۱۷	۱۴۶۲	۲۱۰۷	۷۳۱۹	۱۴۶۵۱	
خانوار	۲۰۶	۲۹۱	۴۲۴	۱۵۰۶	۳۰۲۷	
بعد خانوار	۴/۹	۵	۴/۹	۴/۸	۴/۸	
نرخ رشد	%۲/۸	%۲/۸	%۲/۹	%۲/۹	%۱۳	

مأخذ: مرکز آمار ایران، فرهنگ آبادی های استان تهران، صص ۲۵-۱۲

نام «آلود» در ابتدا «اردلان» بوده که قدمت آن به ۲۰۰ سال پیش برمی‌گردد. هسته اولیه به صورت قلعه‌ای بود که در درون آن زندگی می‌کردند. به تدریج زندگی از درون قلعه خارج شده و به اطراف گسترش پیدا کرده است. پرندک نیز بنای اولیه آن بصورت قلعه بوده و اهالی داخلی آن زندگی می‌کردند. در علت نامگذاری آن به پرندک دو نظر وجود دارد، یکی این که در گذشته این محل میدان تیراندازی بوده که به آن میدان پوکه می‌گفتند و به تدریج به پرندک تغییر نام داده است. نظر دیگر این که این محل در گذشته دارای باغات سرسبز و دارای پرندگان کوچک بوده که به آن پرندک (محل پرندگان کوچک) می‌گفتند. این محل نیز به تدریج رشد و توسعه پیدا کرد. مراحل رشد و توسعه آلود و پرندک در شکل ۲ آمده است.



شکل ۲ نقشه مراحل رشد و توسعه آلود و پرندک

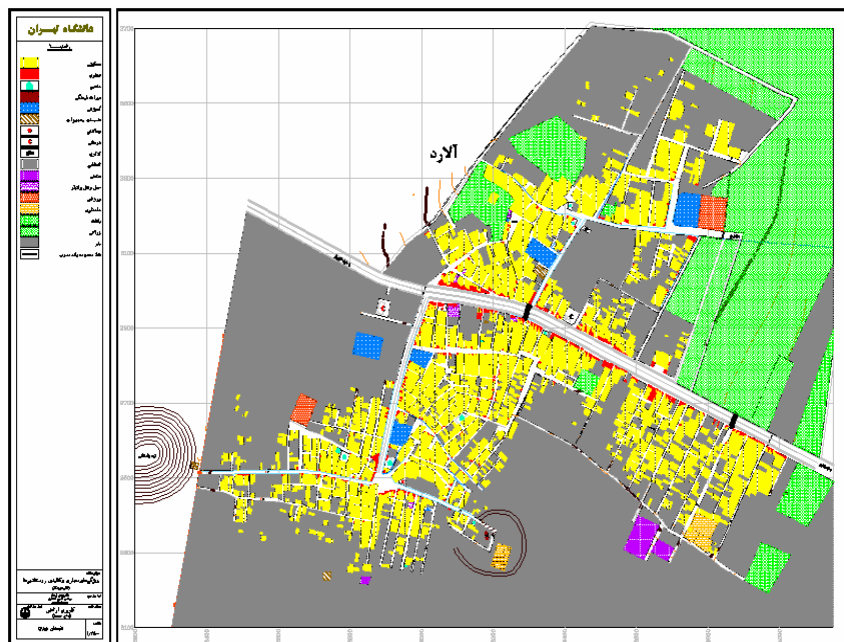
بررسی کاربری اراضی در آلود و پرندک

کاربری اراضی در شهر، از مهمترین ارکان در نظم‌یابی سازمان فضایی به‌شمار می‌آید. تحول و دگرگونی در کاربری‌های اراضی به عنوان یک مشخصه اصلی و مستمر انگاشته می‌شود. در مکان‌های در حال تحول و عرصه‌هایی که مجال مناسبی برای تبدیل به مراکز سکونتی جدید پیدا می‌کنند، بررسی و تحلیل طرح کاربری اراضی، محقق را در شناخت برخی از ویژگی‌های کالبدی مؤثر و در عین حال پنهان یاری می‌نماید.

شهر آلود و پرندک در گذشته‌های نه چندان دور به عنوان روستا و مجموعه روستایی و نهایتاً شهر، از شرایط ویژه‌ای برای جانمایی کاربری‌های مختلف برخوردار بود. مطالعه و بررسی طرح ساماندهی این مجموعه روستایی بیانگر آن است که در دوره‌ای که این محدوده کارکرد روستایی داشت، بسیاری از کاربری‌های امروز همچون خدمات درمانی، تأسیسات انتظامی و اداری بود. با رشد و توسعه دو روستا و متصل شدن آن دو به یکدیگر و شکل‌گیری مجموعه روستایی آلود و پرندک در فاصله سال‌های ۷۵-۱۳۶۵، مجموعه مذکور از بار جمعیتی بسیار بالاتری برخوردار شد. همان‌طور که می‌دانیم، جمعیت بیشتر به عنوان یک فاکتور اساسی در جذب خدمات به‌شمار می‌آید. به عبارت دیگر آستانه تعریف شده برای مراکز سکونتگاهی برای دریافت تسهیلات و تجهیزات با مؤلفه جمعیت پیوند تنگاتنگی دارد (آسایش، ۱۳۷۵، ۱۲۷).

در سال ۱۳۷۵ جمعیت مجموعه آلود و پرندک به حدود ۷۳۱۹ نفر رسید. در این دوره بسیاری از خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی برای این مجموعه تعریف شد و به سطح کاربری‌های قبلی افزوده شد. پس از این و در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ رشد و گسترش کالبدی ناشی از نزدیکی به تهران و مرکز شهری رباط کریم، سبب جذب جمعیت مهاجر بسیار شد و در یک دوره ۷ ساله جمعیت شهر به ۱۴۶۵۱ نفر رسید (کلانتری، ۱۳۸۲، ۴۳).

با رشد و گسترش جمعیت و توسعه افقی شهر آلود و پرندک و بنا به نیاز جمعیت، کاربری‌های خدماتی و تأسیساتی جدید و کامل‌تر به شهر ارائه شد، چنانکه هم اکنون به عنوان یک نقطه شهری کوچک، عملکردی در خور توجه دارد. با رشد شهر در این دوره کاربری‌های اداری، بازرگانی، انتظامی، تأسیسات و تجهیزات شهری و ... به کاربری‌های سابق افزوده شد. جدول ۲ و شکل ۳ سطوح، سرانه و درصد کاربری‌های موجود در عرصه شهری آلود و پرندک را در سال ۸۲-۱۳۷۵ نشان می‌دهند.



شکل ۳ نقشه وضع موجود کاربری‌های شهری آلود و پرندک

جدول ۲ سطوح، سرانه و درصد کاربری‌های موجود در عرصه شهری آلود و پرندک ۸۲-۱۳۷۵

نوع کاربری	سطح، سرانه و درصد	
	سطح (مترمربع)	سرانه (مترمربع)
مسکونی	۳۲۰۰۱۴	۲۱/۸
تجاری	۱۲۸۳	۰/۸۷
آموزشی	۱۳۶۵۵	۰/۹۳
درمانی	۳۱۲۰	۰/۰۲
بهداشتی	۱۸۵۰	۰/۱۳
اداری	۳۲۴	۰/۰۲
مذهبی	۲۹۱۷	۰/۲
ورزشی	۱۰۲۰۷	۰/۶۹
تأسیسات و تجهیزات شهری	۱۳۱۱	۰/۰۹
انتظامی	۵۶۳	۰/۰۴
حمل و نقل و انبار	۱۹۹۲	۰/۱۳
صنایع و کارگاه‌ها	۵۴۱	۰/۰۳۶
اراضی زراعی	۲۰۶۷	۰/۱۴
باغات	۴۶۱۰۰	۳/۱
بایر	۳۶۹۳۱۶	۲۲/۷
شبکه معابر	۲۲۵۶۰۸	۱۵/۴
جمع کل	۱۰۱۲۴۳۰	---

مأخذ: کلاتری خلیل آباد «طرح ساماندهی مجموعه آلود و پرندک»، ص ۵۷

کیفیت ابنیه در شهر آلود و پرندک

تعداد واحدهای مسکونی شهر آلود و پرندک ۲۶۰۱ واحد می‌باشد که شامل ۲۸۷۴ قطعه مسکونی است. کیفیت قطعه‌های مسکونی روستا به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳ کیفیت ابنیه شهر آلود و پرندک

تعداد واحدها	کیفیت	نوساز	قابل نگهداری	مرمتی	تخریبی و مخروبه	جمع
تعداد		۱۱۶۵	۱۶۸۰	۲۶	۳	۲۸۷۴
درصد		۴۰/۵	۵۸/۵	۰/۹	۰/۱۰	۱۰۰

مأخذ: برداشت از طریق مشاهده و جمع‌آوری پرسشنامه به روش نمونه‌گیری تصادفی (گوگران)

به طور کلی از مجموع قطعه‌های مسکونی ۴۰/۵ درصد نوساز، ۵۸/۵ درصد قابل نگهداری و ۱ درصد بقیه، مرمتی و تخریبی است. مصالح عمده بکار رفته در ساخت و ساز اماکن شهر، آجر و آهن است (جدول ۴).

جدول ۴ نوع مصالح قطعات مسکونی

تعداد واحدها	مصالح	آهن و آجر	خشت و چوب	آجر و چوب	جمع
تعداد		۲۸۵۴	۱۱	۹	۲۸۷۴
درصد		۹۹/۳	۰/۳۸	۰/۳۱	۱۰۰

مأخذ: برداشت از طریق مشاهده و جمع‌آوری پرسشنامه به روش نمونه‌گیری تصادفی (گوگران)

از کل واحدهای شهری، ۸ واحد سه طبقه، ۹۴ واحد دو طبقه و بقیه به صورت یک طبقه و ویلایی ساخت هستند. در ذیل شکل‌های ۴، ۵ و ۶ به ترتیب کیفیت ابنیه، نوع مصالح ساختمانی و وضعیت طبقات ساختمان‌های محدوده را نمایش می‌دهند.



شکل ۴ نقشه کیفیت ابنیه



شکل ۵ نقشه نوع مصالح ساختمانی



شکل ۶ نقشه طبقات ساختمانی

یافته‌های تحقیق

بر اساس وضع موجود و برداشت‌های میدانی صورت گرفته در تحقیق، ابتدا تحلیلی از سطوح کاربری ارضی در آلارد و پرندهک ارائه می‌شود و سپس به تحلیل تیپولوژی مسکن در منطقه مذکور پرداخته خواهد شد و برآیند آن در بخش نهایی بحث شده، نتایج منطبق با یافته‌ها ارائه می‌گردد.

تحلیل سطوح کاربری اراضی آلارد و پرندک

بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته در سال ۱۳۸۲، مجموعاً ۲۶۰۱ واحد مسکونی در این شهر وجود دارد. سرانه مسکونی در وضع موجود ۲۱/۸ مترمربع است و ۳۱/۶٪ از مساحت کل شهر را در برمی‌گیرد. سطح کاربری مسکونی شهر ۳۲۰۰۱۴ مترمربع و مساحت متوسط قطعات مسکونی ۱۲۰ مترمربع است. میانگین خانوار در هر واحد مسکونی ۱/۱۶ خانوار و میانگین نفر در هر واحد مسکونی نیز ۵/۶ نفر می‌باشد. این اعداد نشانگر این واقعیت است که تراکم نفر در هر واحد مسکونی بالا است. در نتیجه این عامل نیاز به «توسعه فضای مسکونی» را نشان می‌دهد؛ عاملی که عمدتاً، به طور مستقیم در رشد و گسترش کالبدی نقاط و تبدیل آن به شهر در اندازه‌های مختلف تأثیر دارد.

کاربری تجاری مشتمل بر خرده‌فروشی‌ها، در سال ۱۳۸۲ سطوح قابل توجهی به خود اختصاص داده‌اند. این سطح برابر با ۱۲۸۴۳ مترمربع با سرانه ۰/۸۷ مترمربع است که ۱/۳ درصد از سطوح شهر را به خود اختصاص داده است. این سطح در حال حاضر به ۳ برابر افزایش پیدا کرده است. سطوح کاربری آموزشی و درمانی نیز روبه افزایش است و علت آن را می‌توان افزایش بیش از حد جمعیت شهر دانست. در سایر کاربری‌های عمده نیز فراخور توسعه و گسترش شهر، افزایش سطح دیده می‌شود و همانطور که قبلاً اشاره شد عامل آستانه‌ای خدمات یعنی جمعیت و افزایش گام به گام آن عمده‌ترین علت این افزایش به حساب می‌آید.

مطالعه و تحلیل تیپولوژی یا گونه‌شناسی مسکن آلارد و پرندک

به منظور بررسی ساختار شهری و دگرگونی آن و آگاهی از گونه‌شناسی مسکن هر منطقه باید به تجزیه و تحلیل عواملی که در این امر دخیل هستند، پرداخت. در یک معماری اصیل با در نظر گرفتن شرایط موجود، اساس کار تأمین آسایش و برآوردن نیازهای افرادی است که این بنا را مورد استفاده قرار می‌دهند، بی‌آن که تقلیدهای بی‌رویه و ناسنجیده، عوامل نادرستی را در این مجموعه وارد کند. اگرچه تیپولوژی به عنوان یکی از نتایج بارز تبدیل ساختاری روستاها به روستا-شهرها و شهرهای کوچک است، لیکن مطالعه در فرایند شکل‌گیری تیپ‌های خاص در عرصه‌های مورد مطالعه می‌تواند راهگشا باشد. به هر حال عوامل چندی از قبیل عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقلیمی و معیشتی در شکل بخشیدن به معماری یک منطقه تأثیر گذار است. این عوامل عبارتند از:

الف) عوامل فرهنگی - اجتماعی: از آنجا که معماری پدیده‌ای انسانی است، به‌ناچار از اجتماع تأثیر بسیاری می‌پذیرد. مذهب، سنت، اعتقادات، مسایل امنیتی و بالاخره جهان بینی افراد در معماری هر منطقه مؤثر است. یکی از عواملی که در تعیین شکل‌گیری خانه‌ها دخیل است، بعد خانوار می‌باشد. در خانوارهای گسترده، پسران یا دختران خانواده پس از ازدواج نیز در کنار والدین خود زندگی می‌کنند و یا در قسمتی از هر خانه به هر کدام، یک یا چند اتاق داده می‌شود و یا خانه‌ای مجزا در مجاورت خانه پدری بنا می‌کنند. امروزه گرایش افراد به سوی خانواده‌های هسته‌ای است. خانه به‌تناسب نیاز زن و شوهر و فرزندان ساخته می‌شود. همچنین به‌دلیل مهاجرت و امکانات اشتغال در شهرها بنیان خانوارها به شکل گسترده به هم ریخته، و جوانان خانواده غالباً پس از ازدواج در خانه مستقلی زندگی می‌کنند. در شهر آلارد و پرندک نیز بنا بر دلایل مختلف از جمله توان و بضاعت مالی و

محدودیت‌های ساخت و ساز تعدادی از خانوارها به صورت ۲ یا ۳ خانواری در یک واحد مسکونی سکونت دارند.

ب) عوامل اقلیمی: دگرگونی چهره معماری شهرها در رابطه با تنوع اقلیمی حاکی از مبارزه مستمر و پیگر معماران جوامع کوچک شهری با طبیعت است. همچنین جنس و درجه مقاومت و مقدار سختی و سستی خاکی، فراوانی و کمی آب و عوامل دیگری چون سیل، طوفان و زلزله در معماری یک منطقه تأثیر به‌سزایی دارد.

ج) عوامل معیشتی: معماری در هر منطقه با اقتصاد آن جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد، به‌ویژه در مناطق شهری این عوامل ناگزیر محدودیت‌هایی را مطرح می‌سازد. در آلود و پرندک هنوز هم عمده معیشت کشاورزی است. در نتیجه نیاز به محلی برای نگهداری محصولات زراعی و همچنین ابزار کار و کشاورزی غیرقابل اجتناب است. علاوه بر تأثیری که شیوه‌های تولید در ترکیب معماری شهر دارد، امکانات مالی افراد نیز در انتخاب نوع مصالح و بزرگی و کوچکی خانه‌ها مؤثر است.

با توجه به مطالب قبل و همچنین تغییر بافت و معماری شهر آلود و پرندک از بافت اولیه قلعه‌ای شکل به یک بافت نسبتاً منظم، نشان از سرعت تغییر و تحول شهر است. این تغییر و تحولات که در ردیفی از ساختمان‌ها و مسکن با شبکه معابر منظم نمود پیدا کرده، سرعت رشد و توسعه را به پیروی از الگوی ساخت شهری قطاعی می‌رساند. امروزه بنابر تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی و مهاجرت‌های گروه‌های کم درآمد، سبب شده که الگوهای سنتی ساخت و ساز و معماری آن تغییر پیدا کند. از سویی نزدیکی به شهرستان رباط کریم و تهران و در دسترس بودن مصالح ساختمانی رایج در شهرها، تغییر تکنولوژی ساخت و ساز و گرایش به استفاده از مصالح صنعتی و نیمه صنعتی به تغییر شکل تپ و معماری شهر کمک کرده، به طوری که در ساختمان‌هایی که در سال‌های اخیر ساخته شده عموماً از آجر و آهن و کلاً مصالحی که در شهرها در ساخت ساختمان‌ها کاربرد دارد، استفاده شده است. از این‌رو هیچ افتراقی بین معماری و بافت شهر با مناطق شهری دیگر دیده نمی‌شود و یک همگونی و تناسب تام با یک سکونتگاه شهری دارد. پایگاه اجتماعی و اقتصادی ساکنین روستا-شهر مورد مطالعه که حکایت از اقشار کارگری دارد، تغییر ساختار واحدهای مسکونی را سبب شده است؛ به شکلی که واحدهای مسکونی از شکل گسترده و بزرگ به معماری‌های کوچک تغییر اندازه داده و نوعی تراکم و فشردگی و به‌هم‌پیوستگی در بافت به‌وجود آورده است.

بحث و نتیجه‌گیری

قبل از پرداختن به مسئله و آزمون فرضیه تحقیق، ضروری است که اشاره کوتاهی به شاخص‌های مورد نظر در تشخیص روستا-شهرها صورت گیرد. بنابر یافته‌های لینچ عمده‌ترین مشخصه‌های شناسایی روستا-شهرها عبارت است از حرکت روزانه افراد به مادرشهرها جهت کار و فعالیت، وجود برخی صنایع تبدیلی در روستا-شهرها، ویژگی خوابگاهی بودن در اثر مجاورت با مادرشهرها، ارزانی زمین برای کار و سکونت و دریافت خدمات برتر از مادرشهر (Lynch.2005:31-33).

موارد فوق در رابطه با آلارد و پرندک کلاً صادق است و به طور واضح حرکت پاندولی جمعیت، دریافت خدمات برتر، خوابگاهی بودن، ارزانی زمین نسبت به مادرشهر و حضور برخی صنایع تبدیلی در آن -کشتارگاه، انبار داری، صنایع تبدیلی اتومبیل و ...- مشاهده می شود و با تکیه بر نظریه لینچ می توان حکم کرد که آلارد و پرندک به عنوان یک روستا-شهر و اقمارشهر تهران جایگزین شده است.

این جایگزینی فی نفسه سبب تاثیرپذیری اداری، خدماتی و اقتصادی از تغییرات منطقه‌ای می شود که شهر تهران در این زمینه نقش تعیین کننده‌ای دارد. کانون های شهری با هر اندازه و مقیاس به عنوان نظام های اقتصادی و اجتماعی برای خود دارای حوزه نفوذ و حیطه عملکردی مشخصی هستند (فنی، ۱۳۸۲، ۲۴) که در این مورد روستا-شهر آلارد و پرندک به طور کلی تحت تاثیر نفوذ شدید مادرشهر تهران است و برای حوزه نفوذ خود نقش یک مرکز درجه چندم را بازی می کند؛ چراکه حتی روستاهای حوزه نفوذ این روستا-شهر گاهاً به طور مستقیم با مادرشهر ارتباط و مراوده اقتصادی دارند.

با توجه به مسئله مورد مطالعه، یعنی شکل گیری کالبد دوگانه در یک روستا-شهر به دلیل اختلاط اقوام با ویژگی های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی مختلف و مبتنی بر هدف مطالعه که عبارت است از در نظر گرفتن شرایط جغرافیایی شکل گیری روستا-شهرها سعی در ارائه تحلیل جغرافیایی از بحث کالبدی و معماری این تیپ شهرها می شود. فرض اولیه تحقیق مبنی بر احتمال منطبق بودن محلات قدیمی تر بر هسته های اولیه و برخوردار بودن بافت کهن و سنتی و در عین حال روستایی با عمارت های تک طبقه ای مؤید این نکته است که محلات جدید که به نوعی در اثر توسعه روستاها و تبدیل به روستا-شهر شکل گرفته اند، از ساختمان های نوساز و در عین حال مرتفع برخوردار هستند. بنابراین می توان گفت که با توجه به مطالعه صورت گرفته و بررسی نقشه های مربوط، این فرضیه کاملاً صادق و غالب باشد چراکه بیشترین پراکندگی ساختمان های یک طبقه با مصالح کم دوام در نقاطی مشاهده می شوند که جزو هسته های اولیه و روستایی بوده اند و به عبارتی بنیان های فیزیکی و کالبدی دو روستای آلارد و پرندک را شکل می دهند. در مقابل تمام محورهای توسعه یافته که اغلب به شکل قطاعی (همانطور که در نقشه توسعه ادواری مشخص است) بوده است از ساختمان های نو، مرتفع و با مصالح پردوام ساخته شده که مؤید مدعای این تحقیق است.

در نهایت باید گفت که تبدیل نقاط روستایی اطراف شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک واقعی انکارناشدنی است که امروزه شاهد تعداد بسیاری از این قبیل سکونتگاه های شهری هستیم. همانطور که شرح آن گذشت، چنین سکونتگاه هایی دارای دو گونه مسکن و معماری متفاوت هستند. در یک سو مسکن و خانه های سنتی قبل از شهر شدن سکونتگاه و از سوی دیگر بناهای جدید با مصالح صنعتی و نیمه صنعتی مختلف. در شناخت و تحلیل مسایل و مشکلات کالبدی شهر باید گفت که یکی از مهمترین مشکلات ناحیه کمبود مسکن و فضای مسکونی است. هرچند که شهر دارای قابلیت های زیادی در زمینه توسعه فضای مسکونی است ولی به جهت اینکه فاقد طرح توسعه است، آینده توسعه آن در هاله ای از ابهام قرار دارد. از سوی دیگر باید به این مسئله توجه داشت که مهمترین ویژگی توسعه شهری آلارد و پرندک این است که این شهر از به هم پیوستن دو روستا در اثر توسعه کالبدی پدید آمده است. با این پشتوانه می توان حکم نمود که شهر مذکور از گوناگونی فرهنگی و خصیصه های

اجتماعی مختلف نیز برخوردار است که بر ویژگی‌های مسکن در محدوده مورد نظر تأثیر می‌گذارند. با توجه به اینکه در این گونه شهرها با دو گونه معماری سنتی و مدرن روبرو هستیم، بحث روستایی شدن این شهرها مطرح می‌شود، نه تنها شهر آلود و پرندک از این ویژگی برخوردار است بلکه چنان که قابل تحقیق و مشاهده است سایر شهرهای واقع در حوزه نفوذ کلانشهر تهران که با دارا بودن هسته روستایی در اثر توسعه به مرحله شهر شدن رسیده‌اند، این ویژگی کالبدی و اجتماعی را در بطن خود حفظ و نگهداری کرده‌اند. در نهایت باید گفت که برنامه‌ریزی و توجه به عرصه‌های زیستی جدید که از تحول روستا به شهر پدید آمده‌اند در برگیرنده چند نکته کلیدی و قابل بحث ذیل است:

- با توجه به یافته‌های تحقیق تیپولوژی و شکل مسکن در روستاهای تبدیل شده به شهر یا روستا-شهر، به نوعی درهم‌تنیدگی مسکن سنتی و مدرن ساخته شده از مصالح مختلف را به نمایش می‌گذارد. وانگهی، برخورداری این ساختار از فرهنگ‌های مختلف و متشکل از مهاجرین شهرهای دیگر نیز بر ویژگی‌های مذکور و تنوع آن می‌افزاید. با توجه به ابعاد خانوار، شاهد ایجاد و شکل‌گیری مسکن چندهسته‌ای و چند خانواری در چنین عرصه‌هایی هستیم که بر تراکم موجود در سطح افزوده است. با توجه به نزدیکی این شهرها با مرکز ثقل جمعیتی (مادرشهر)، رشد منطقه کلانشهری با تراکم جدید و پیدایش شهرهای اقماری در فرایندی نه چندان دور روبرو خواهیم بود که به منظور برنامه‌ریزی جهت برخورد صحیح با آن، شناسایی ویژگی‌های ساختاری و کالبدی کارگشا و قابل توجه است.

- با توجه به اینکه رشد فیزیکی شهر بیشتر به شکل قطاعی و در جهت محدوده مادرشهر می‌باشد، تحولات شکلی در ساختمان‌ها، آن‌ها را به شکل ردیفی در کنار هم قرار داده است که در ارتباط با دسترسی‌ها در پاره‌ای از موارد یادآور شبکه‌های شعاعی موجود در شهرهای بزرگ می‌باشد. به این دلیل در مطالعات کالبدی شهرهای مذکور توجه به بافت سنتی و مدرن و چگونگی ارتباط این دو با یکدیگر در قالب شبکه گذرگاهی و شبکه عبوری از اولویت‌های اساسی به حساب می‌آید.

- باید توجه داشت که عمده قشر جمعیتی این شهرها را کارگران شاغل در صنایع شهری تشکیل می‌دهند. از این رو لازم است منطبق با شرایط اجتماعی- فرهنگی آن‌ها، برنامه‌ریزی و اقدام صورت گیرد.

- گرچه رشد شهری سبب دگرگون شدن بافت و کالبد شهر مذکور شده و آن را مشابه شهرهای امروزی کرده لیکن به لحاظ اجتماعی و تاریخی بافت‌های باارزش قدیم روستا مشخصه‌ای ویژه است که نشانگر تاریخ و فرهنگ اجتماعی گذشته است.

- با توجه به نزدیکی این گونه شهرها به شهرهای بزرگتر چون رباط کریم (فاصله یک کیلومتری) امکان ادغام این قبیل شهرها در شهرهای بزرگتر، در طول مسیر ارتباطی قابل بحث است. از طرف دیگر با توجه به این که بخشی از جمعیت آلود و پرندک هنوز به فعالیت کشاورزی اشتغال دارند و برای نیازهای مختلف خود جهت انجام فعالیت‌های مکمل کشاورزی به زمین‌هایی احتیاج دارند، پیشنهاد می‌شود که در شعاع یک کیلومتری از ایجاد و احداث بناهای مسکونی جلوگیری شده و این قسمت‌ها به احداث انبارها و سیلوهای اختصاص داده شود که هم نیاز کشاورزان را برآورده ساخته و هم از رشد و ادغام کالبدی با کلانشهر تهران مانع شود.

- با توجه به شاخص‌های روستا-شهری یکی از مهمترین موارد برای توسعه این گونه شهرها تقویت صنایع تبدیلی و حفظ و تثبیت جمعیت در این اماکن است. از صنایع تبدیلی تاثیر گذار در شکل مسکن و نهایتاً کالبد شهری ایجاد کارخانه‌ها و کارگاه‌های آجرسفالی، سنگ، تیر و تیرچه بتونی است که به مقاوم‌سازی در شهر کمک می‌کند و در طی زمان در احیای بافت‌های فرسوده با مسکن و مصالح روستایی نیز مؤثر خواهد بود. همچنین این صنایع از مهاجرت پلکانی و مرحله‌ای به سوی مادرشهر می‌کاهد و در تثبیت جمعیت شهر مرکزی تاثیر به‌سزایی خواهد داشت.

منابع

- آسایش، حسین، ۱۳۷۵، «اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای»، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- برنارشاریه، ژان، ۱۳۷۳، «شهرها و روستاها»، ترجمه دکتر سیروس سهامی، نشر نیکا.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳، نقشه پایه ۴۰۰۰: ۱ آلارد و پرندک.
- جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۸۴، «تیپولوژی مسکن روستایی استان سمنان».
- رئیس دانا، فریبرز، ۱۳۸۱، «اقتصاد سیاسی توسعه»، تهران: انتشارات نگاه.
- رهنمایی، محمدتقی، ۱۳۸۴، «شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در ایران»، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا.
- سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۸۴، نقشه پایه ۴۰۰۰: ۱ آلارد و پرندک.
- سعیدی، عباس، ۱۳۸۰، «ایران، شهر - روستا - عشایر»، (مجموعه مقالات)، تهران: انتشارات منشی.
- شکویی، حسین، ۱۳۷۹، «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری»، جلد اول، تهران: سمت.
- عظیمی، ناصر، ۱۳۸۱، «پویش شهرنشینی در ایران»، مشهد: نشر نیکا.
- عظیمی، ناصر، ۱۳۸۴، «برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهر و انباشت سرمایه»، مشهد: نشر نیکا.
- فنی، زهره، ۱۳۸۲، «شهرهای کوچک، رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای»، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- قرخلو، مهدی و محمد اسکندری نوده، ۱۳۸۴، «جغرافیا، جهانی شدن و شهر»، جغرافیا: نشریه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیدانان ایران، شماره نخست.
- کلانتری، حسین، ۱۳۸۲، «طرح ساماندهی مجموعه آلارد و پرندک»، استان تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۲، «فراسوی چپ و راست»، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی.
- مرکز آمار ایران، «سرشماری نفوس و مسکن»، سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، مرکز آمار و انفورماتیک.
- مرکز آمار ایران، «فرهنگ آبادی‌های استان تهران»، سال ۱۳۷۵
- Lynch, K., 2005, Rural-Urban Interaction in the Developing World, Rout ledge, London.
- Pannell, C. W., 1990, China Urban Geography, Progress in Human Geography, Vol .14, No2.
- Rondinelli D. A., 1983, Secondary Cities in Developing Countries: Diffusing Urbanization Policies, Sage.

-
- Stohr Walter B. & Fraser Taylor. 1981. Development from Above or Below, Willey.
 - UNDP, 2000, Human Development Report 2000.
 - Warrier, G.K & Mc Alpine, 1992, Evaluating a City-Towns Potential for Future Humanistic Growth, Cities, Vol.9, No. 4.